

مطالعات معماری ایران ۲

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال دهم، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۰



- ◆ کاشی‌های هفت‌رنگ مزار در زیارتگاه‌های سلطان عتاب‌بخش و سلطان امیراحمد کاشان (سدهٔ دهم تا سیزدهم ه. ق)
 - محمدرضا غیاثیان / محمد مشهدی نوش آبادی
- ◆ بررسی آرایه‌های آجری خانه‌های تاریخی بهبهان در دورهٔ پهلوی
 - زینب مشهور
- ◆ مساجد جامع شهر کرمان؛ شناسایی و تبیین جایگاه شهری و تاریخی
 - ذات‌الله نیک‌زاد
- ◆ مقایسهٔ عملکرد حرارتی شگردهای اقلیمی درجه، کُلک و خارخنه در دورهٔ گرم سال در مسکن بومی منطقهٔ سیستان
 - محمدعلی سرگزی / منصوره طاهباز / اکبر حاج ابراهیم زرگر
- ◆ سنجش عملکرد عناصر اقلیمی خانه‌های سنتی بافت تاریخی شیراز با رویکرد آسایش حرارتی؛ مورد پژوهی: ایوان
 - جمشید کریم‌زاده / جمال‌الدین مهدی‌نژاد درزی / باقر کریمی
- ◆ ارزیابی میزان خلاقیت و موفقیت تحصیلی دانشجویان معماری دانشگاه تهران از منظر ربع‌های چهارگانهٔ مغزی ند هرمان
 - فؤاد خرّمی / سید امیرسعید محمودی / مصطفی مختاباد
- ◆ تحلیل فناوری ساخت بنای سد تاریخی کریت طبس
 - امیرحسین صادق‌پور
- ◆ مطالعهٔ تطبیقی ریخت‌شناسی بافت شهری بیرجند از منظر تقاضای انرژی
 - مصطفی حسینی / محمود شکوهی / فرشاد نصراللهی
- ◆ مطالعهٔ تطبیقی لانهٔ مورخانه و مجموعهٔ زیرزمینی نوش‌آباد
 - بابک عالمی
- ◆ شاخص‌های به‌کارگیری ظرفیت میراث‌فرهنگی برای توسعهٔ پایدار اقتصاد محلی
 - سارا تیمورتاش / پیروز حناچی / محمدحسن طالبیان
- ◆ واکاوی مؤلفه‌های مؤثر بر طبقه‌بندی آثار میراث معماری بر اساس رویکردها و سیاست‌های حفاظت در کشورهای اروپا
 - ساشا ریاحی‌مقدم / محمدحسن طالبیان / اصغر محمدمرادی
- ◆ یک مدل نظری برای مطالعهٔ روابط همسایگی در محیط‌های مسکونی
 - رضا سرّعلی / شهرام پوردیهیمی

مطالعات علمی معماری ایران

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال دهم، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان
مدیر مسئول: دکتر علی عمرانی پور
سر دبیر: دکتر غلامحسین معماریان
مدیر داخلی: دکتر بابک عالمی

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):
دکتر ایرج اعتصام، استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
دکتر عباس اکبری، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حمیدرضا جیحانی، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر پیروز حناچی، استاد دانشگاه تهران
دکتر شاهین حیدری، استاد دانشگاه تهران
دکتر محمدصادق طاهر طلوع دل، دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر علی عبد الرؤف، استاد دانشگاه حمد بن خلیفه قطر
دکتر علی عمرانی پور، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر فاطمه کاتب، استاد دانشگاه الزهرا (س)
دکتر حسین کلانتری، استاد جهاد دانشگاهی
دکتر اصغر محمد مرادی، استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان، استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محسن نیازی، استاد دانشگاه کاشان

درجه علمی پژوهشی دوفصلنامه مطالعات معماری ایران طی نامه شماره ۱۶۱۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این نشریه به شماره ۹۰/۲۳۰۳۰ مورخ ۹۱/۹/۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

این نشریه حاصل همکاری مشترک علمی دانشگاه کاشان با دانشکده معماری دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه شهید رجایی و پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی است.

نشریه مطالعات معماری ایران در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran.com) نمایه می شود.

تصاویر بدون استناد در هر مقاله، متعلق به نویسنده آن مقاله است.

(نسخه الکترونیکی مقاله‌های این مجله، با تصاویر رنگی در تارنمای نشریه قابل دریافت است.)

عکس روی جلد: محمد موحذنزاد
(شبهستان مسجد جامع اصفهان)
همکار اجرایی: نغمه اسدی چیمه
نشانی دفتر نشریه: کاشان، بلوار قطب رواندی، دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر، کدپستی: ۸۷۳۱۷-۵۳۱۵۳
رایانامه: j.ir.arch.s@gmail.com
ویراستار ادبی فارسی: معصومه عدالت پور
ویراستار انگلیسی: غزل نفیسه تابنده
دورنگار: ۰۳۱-۵۵۹۱۳۱۳۲
پایگاه اینترنتی: jias.kashanu.ac.ir

شاپا: ۰۶۳۵-۲۲۵۲

ناشر: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICEST)

انتشارات: ۰۷۱-۳۶۴۶۸۴۵۲
نمایر: ۰۷۱-۳۶۴۶۸۳۵۲

این نشریه در «ایران ژورنال» نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICEST) به نشانی

http://ricest.ac.ir و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) به نشانی http://isc.gov.ir نمایه می‌شود.



دانشگاه تربیت مدرس

فهرست

- ۵ کاشی‌های هفت‌رنگ مزار در زیارتگاه‌های سلطان عتابخش و سلطان امیراحمد کاشان (سدهٔ دهم تا سیزدهم ه. ق)
محمدرضا غیاثیان / محمد مشهدی نوش‌آبادی
- ۲۷ بررسی آرایه‌های آجری خانه‌های تاریخی بهبهان در دورهٔ پهلوی
زینب مشهور
- ۴۹ مساجد جامع شهر کرمان؛ شناسایی و تبیین جایگاه شهری و تاریخی
ذات‌الله نیک‌زاد
- ۶۷ مقایسهٔ عملکرد حرارتی شگردهای اقلیمی درجه، کُلک و خارخَنه در دورهٔ گرم سال در مسکن بومی منطقهٔ سیستان
محمدعلی سرگزی / منصوره طاهباز / اکبر حاج ابراهیم زرگر
- ۸۹ سنجش عملکرد عناصر اقلیمی خانه‌های سنتی بافت تاریخی شیراز با رویکرد آسایش حرارتی؛ مورد پژوهی: ایوان
جمشید کریم‌زاده / جمال‌الدین مهدی‌نژاد درزی / باقر کریمی
- ۱۱۷ ارزیابی میزان خلاقیت و موفقیت تحصیلی دانشجویان معماری دانشگاه تهران از منظر ربع‌های چهارگانهٔ مغزی ند هرمان
فؤاد خرّمی / سید امیرسعید محمودی / مصطفی مختاباد
- ۱۳۵ تحلیل فناوری ساخت بنای سد تاریخی کُریت طبس
امیرحسین صادق‌پور
- ۱۵۳ مطالعهٔ تطبیقی ریخت‌شناختی بافت شهری بیرجند از منظر تقاضای انرژی
مصطفی حسینی / محمود شکوهی / فرشاد نصراللهی
- ۱۷۷ مطالعهٔ تطبیقی لانهٔ مور یانه و مجموعهٔ زیرزمینی نوش‌آباد
بابک عالمی
- ۱۹۵ شاخص‌های به‌کارگیری ظرفیت میراث‌فرهنگی برای توسعهٔ پایدار اقتصاد محلی
سارا تیمورتاش / پیروز حناچی / محمدحسن طالبیان
- ۲۱۳ واکاوی مؤلفه‌های مؤثر بر طبقه‌بندی آثار میراث معماری بر اساس رویکردها و سیاست‌های حفاظت در کشورهای اروپا
ساشا ریاحی‌مقدم / محمدحسن طالبیان / اصغر محمدمرادی
- ۲۳۹ یک مدل نظری برای مطالعهٔ روابط همسایگی در محیط‌های مسکونی
رضا سرّعلی / شهرام پوردیهیمی
- ۲۵۹ راهنمای تدوین و ارسال مقاله
بخش انگلیسی
- ۲۶۱

مساجد جامع شهر کرمان؛ شناسایی و تبیین جایگاه شهری و تاریخی

ذات الله نیک‌زاد*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۵

چکیده

مساجد جامع در شهرهای قدیم ایران از اندام‌های مهم و اثرگذار به حساب می‌آمدند و همگام با تحولات تاریخی شهر متحول می‌شدند. بنابراین انتظار بر این است که در شهر کرمان نیز چنین فرایندی روی داده باشد. مسجد جامع مظفری کرمان، بنایی نوین‌یاد از سده هشتم هجری قمری است که امروزه به‌خوبی شناخته شده است. این بنا در حدود شرقی شهر قدیم قرار دارد و از زمان بنیان نماز جمعه در آن برگزار می‌شد. از وضع مسجد جامع پیش از این سده آگاهی واضحی ارائه نشده است. هدف از این پژوهش، فهم پیشینه و جایگاه مسجد جامع در شهر کرمان در ارتباط با مسائل شهر و معماری در اعصار گوناگون است. با طرح این پرسش که پیشینه نهاد مسجد جامع در شهر کرمان چیست و از چه جایگاهی در شهر برخوردار بوده است؟ از آنجا که این پژوهش به موضوعی از گذشته و روزگاران تاریخی می‌پردازد و با شرح و تحلیل داده‌های دست اول تاریخی و جست‌وجوی شواهد مربوط به آن می‌توان به پاسخ پرسش و تبیین موضوع دست زد، پژوهش به روش «تفسیری تاریخی» پی گرفته می‌شود. با اینکه منابع تاریخی در بازگویی رویدادهای پس از اسلام شهر کرمان ساکت نبوده و به‌ویژه تاریخ‌نامه‌های محلی چندی نوشته شده، در باب مسجد جامع شهر به سکوت یا اختصار بسنده کرده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان از وجود دست‌کم بنیاد چهار بنای مسجد جامع در شهر کرمان از سده نخستین هجری قمری تا میانه سده هشتم هجری قمری است که عبارت‌اند از: مسجد جامع نخستین، مسجد جامع ملک، مسجد جامع درب نو و مسجد جامع مظفری. این بناها هم‌زمان در جایگاه مسجد جامع کارکرد نداشتند، بلکه هر یک جانشین دیگری می‌شد. به‌لحاظ مکان‌گزینی نیز هر یک از مساجد جامع در جای جداگانه‌ای از شهر برپا شده و بر جای مسجد دیگر ساخته نمی‌شدند.

کلیدواژه‌ها:

شهر کرمان (بردسیر)، مسجد جامع ملک، مسجد جامع درب نو، مسجد جامع مظفری.

* مرئی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، z.nikzad@richt.ir

پرسش پژوهش

نهاد مسجدجامع در شهر کرمان چه پیشینه‌ای داشته و از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟

مقدمه

چندی پس از استقرار آیین اسلام در شهرهای ایران، مساجد جامع برپای داشته شده و محل برپایی نمازجمعه و خواندن خطبه به نام خلیفه یا پادشاه بوده است. با استناد به نوشته‌های جغرافی‌نویسان مسلمان، یکی از راه‌های بازشناختن شهرها در سده‌های نخست هجری قمری، وجود مسجد و منبر است. کرمان را نباید مستثنا پنداشت. مسجدجامع مظفری کرمان که در سده هشتم هجری قمری بنا شده، همواره در جایگاه مسجدجامع شناخته شده و در آن نمازجمعه برگزار می‌شد. اما پیش از این مسجدجامع کدام بود و در کجا قرار داشت؟ ماهیت و جایگاه مسجدجامع در شهر کرمان به درستی روشن نیست. اینکه چنین بنا یا بناهایی چه زمانی ساخته شده، در کجا قرار داشته، چه شکلی بوده و با شهر چه ارتباطی داشته‌اند، پرسش‌هاییست که نیاز به پی‌گیری و تبیین دارد. کهن‌ترین مسجد شناخته شده در این شهر همانا مسجد ملک از روزگار سلجوقی است. ساخت مساجد در کرمان رواج داشته و مساجد تاریخی دیگری هم در شهر کرمان برجای مانده که از نظر ویژگی‌های معماری و صنایع ظریفه اهمیت دارند. در این پژوهش، از راه کنکاش در متون و اسناد تاریخی و با اتکالی به داده‌های میدانی، جست‌وجو درباره‌ی بنیاد مسجدجامع شهر کرمان صورت خواهد گرفت. روش پژوهش «تفسیری تاریخی» است و فهم و تفسیر داده‌های تاریخی و انطباق آن‌ها با شواهد و آثار موجود اهمیت دارد تا از این راه بتوان روایتی منسجم درباره‌ی موجودیت، پیشینه و جایگاه مسجدجامع در شهر کرمان به دست داد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهشی مستقل با این موضوع که بر مساجد جامع شهر کرمان متمرکز شده باشد، شناخته شده نیست. درباره‌ی دو مسجد مهم موجود در شهر کرمان نوشتارهای مستقلی به چاپ رسیده است. آرتور پوپ در فصلی از مجموعه سیری در هنر ایران که اختصاص به معماری ایران در سده هشتم هجری دارد، ضمن به دست دادن نقشه مسجدجامع مظفری، این بنا را نمونه‌ای از مرحله نهایی سبک ملی ایرانی دانسته و به دو دوره معماری دوره مظفری و صفویه اشاره کرده است (پوپ ۱۳۸۷، ۱۳۰۱-۱۳۰۳). ازیک شرودر در «یادداشت‌های مقدماتی در آثار ایران و افغانستان» به مشخصات دوره سلجوقی مسجد ملک، که در ایوان و شبستان و مناره آن موجود است، پرداخته و در ادامه، مسجدجامع مظفری کرمان را یکی از کامل‌ترین مساجد چهارایوانی و دارای طرح‌های درست ایرانی برشمرده است (Schroeder 1936, 132). داند ولبیر در معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، مسجدجامع کرمان را جزء مساجد کامل (استاندارد) به شمار آورده و از نوع مقیاس بزرگ می‌داند (ولبیر ۱۳۶۵، ۱۹۶).

باستانی پاریزی در راهنمای آثار تاریخی کرمان مبحثی را به مسجدجامع مظفری اختصاص داده و درباره‌ی معماری، کتیبه‌ها، تحولات تاریخی و تعمیرات بنا به تفصیل نوشته است (باستانی پاریزی ۱۳۳۵). محمود همت نیز به ذکر تاریخ و تحولات مسجد مظفری از ابتدا تا دوره معاصر پرداخته است (همت ۱۳۵۰). انیسی در مقاله‌ای سیر تحولات تاریخی معماری مسجد ملک را مشخص کرده و به‌ویژه مسجد دوره سلجوقی زمان تورانشاه و بقایای مسجد پیش از آن را شرح داده است (Anisi 2004). در مجموعه گنجنامه، گردآورده حاجی قاسمی، مسجد ملک معرفی و درباره‌ی معماری و تاریخ مسجد نوشته شده و نقشه و تصاویری از آن به چاپ رسیده است (حاجی قاسمی ۱۳۸۳). تحقیقات دیگری درباره‌ی آرایه‌ها، کتیبه‌ها و مشخصه‌های جزئی مساجد نیز به نگارش درآمده است. برای نمونه، مقاله‌هایی درباره‌ی بازشناسی کتیبه‌های مسجدجامع مظفری (احمدزاده، نوری، و هنرمندان ۱۳۹۷) و آرایه‌های محراب‌های مسجد ملک با استناد به متون و شواهد (حیدری باباکمال، دهقان، و حاج حسینی ۱۳۹۱) را می‌توان مثال آورد.

۲. یافته‌های پژوهش: کرمان و مساجد جامع شهر

۱. ۲. سیمای تاریخی شهر کرمان

سابقهٔ عمارت در شهر کرمان دست‌کم به روزگار ساسانیان می‌رسد. مورخان بانی این شهر را اردشیر بابکان، سرسلسلهٔ ساسانیان، شناسانده‌اند* (ابن بلخی ۱۳۶۳، ۶۰). قلاع نهاده بر بلندای شهر، که متشکل از آثار و بقایای معماری دورهٔ ساسانی است، مؤید چنین قولی است. این شهر از ابتدا بردسیر و گواشیر نام داشته (مقدسی ۱۳۶۱، ج. ۲: ۶۸۱) و از سدهٔ هشتم هجری قمری به کرمان اشتهار یافت (شبانکاره‌ای ۱۳۶۳، ۱۸۸). بردسیر در سدهٔ نخست هجری شهر بزرگی نبوده و شهرت چندانی نداشت. بنا به نوشتهٔ تاریخ‌نامه‌ها، حصار و شهر و قلاع بردسیر محدث است (ابوحامد کرمانی ۱۳۵۶، ۱۲۲). در گیرودار حملهٔ اعراب به ایران و گشودن شهرها و ولایات، این شهر به‌همراه دیگر شهرهای کرمان اشغال شد. تا مدتی ولایت کرمان را کارگزاران عرب به دست داشتند. شهر در این زمان حصار و بارو داشت. ابن‌حوقل در سدهٔ چهارم هجری قمری، بردسیر را از شهرهای مشهور کرمان به شمار آورده است و آن شهری بوده کوچک، بسیار عمارت و پرجمعیت. در این زمان، بردسیر دارالملک ولایت و مقر سلطان و محل دیوان و مرکز تجمع سپاهیان بود (ابن‌حوقل ۱۳۶۶، ۷۴).

تا اوایل سدهٔ چهارم هجری قمری که جنوب ایران به دست آل‌بویه اداره می‌شد، شهر سیرجان مرکز کرمان بود و از این زمان ابوعلی محمد بن الیاس از حاکمان سامانی، طی چند کُرت حمله، در ۳۱۰ ق کرمان را به دست گرفت و دارالملک و دیوان را از سیرجان به بردسیر منتقل کرد (مقدسی ۱۳۶۱، ج. ۲: ۶۸۳؛ منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۱۵) و تا امروز در این موضع باقی است. او حصار و خندق دور شهر بساخت و دروازه‌ها گشود و بر قلاع مستحکمانت برپا داشت (ابوحامد کرمانی ۱۳۵۶، ۱۲۴). شهر کرمان از همین زمان ترقی کرده، هر زمان بر وسعت و اهمیتش افزوده می‌شد. چندی نشیمنگاه حکام آل‌بویه، همچون عضدالدوله شد.

در دوران فرمانروایی قاوردیه (سلجوقیان کرمان)، این شهر رونق گرفت و در اواسط سدهٔ ششم هجری قمری، شهر در بیرون از حصار، به‌ویژه در رض جنوبی توسعه یافت و محله‌ها، بازار و لشکرگاه و مسجد داشت (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۴۳ و ۶۳). با هجوم لشکر غزها در ۵۷۵ق و پس از آن، رض شهر به ویرانی رفت و بسیاری از معارف کرمان هلاک شدند (همان، ۹۰ و ۹۴). حکومت قراختاییان کرمان که از اواخر فرمانروایی خوارزمشاهی، در همان اوان ورود مغول به ایران آغاز شد (باستانی پاریزی ۲۵۳۵، چهل‌ودو)، تا اوایل سدهٔ هشتم هجری قمری دوام آورد. در این دوران، کرمان از خرابی مغول در امان ماند و رو به آبادانی نهاد. شهر در رض شمالی توسعه یافت و مجموعه‌های عمومی، مذهبی و خیریهٔ بسیاری برپا شد. حکومت شاه جهان، واپسین حاکم قراختایی کرمان، در ۷۰۷ق به فرمان اولجایتو پایان یافت (شبانکاره‌ای ۱۳۶۳، ۲۰۵).

پس از تشکیل حکومت مستقل مظفریان، هنگامی که امیر مبارزالدین به شهر کرمان رسید، آن شهری بود مستحکم و دارای استعداد، اما اندک خرابی به آن راه یافته و مردمش به‌سبب جور حاکمان برهنه و بی‌چیز مانده بودند (معلم یزدی ۱۳۲۶، ۱۱۸). در روزگار مظفریان، از حکومت مرکزی خبری نبود، زیرا ایلخانان برافتاده و یک سده پیش‌تر، مغول‌ها خلافت اسلامی را برچیده بودند. در سدهٔ هشتم هجری قمری بردسیر به اتکای باروی بلند، فصیل و خندقی ژرف شهری مستحکم بود و دروازه‌هایی چند داشت. مظفریان در شهر و اطراف آن آبادانی بسیار کردند و بناهای خیر بنیان نهادند. در عین حال اختلافات حاکمان وضع مردم را در صعب و فقر نگه می‌داشت (حافظ آبرو ۱۳۸۰، ج. ۲: ۷۶۱). شهر کرمان در ابتدای ورود تیموریان صدمه دید و شهرهایی مانند سیرجان به‌کل به دست تیموریان ویران شد. سپس حاکمان تیموری، همچون شاهرخ، در سدهٔ نهم هجری قمری بر استحکام حصار و دروازه‌ها و آبادانی شهر کوشیدند (وزیری کرمانی ۱۳۴۰، ۲۴۹). دورهٔ صفویه همراه با آرامش نسبی و به سامان آمدن شهر بود. مشهورترین امرای کرمان گنجعلی‌خان زیگ در سدهٔ یازدهم هجری قمری است. او در شهر و اطراف کرمان قنواتی کشیده و بناهای بسیاری ساخت. میدان، کاروان‌سرا، بازار، مسجد و حمام او هنوز برجای است (باستانی پاریزی ۱۳۵۱، ۶۷۴-۶۷۶).

در سدهٔ دوازدهم هجری قمری، بر اثر حمله‌های محمود افغان، کرمان صدمه دید، از جمله گبرمحله منهدم شد

وزیری کرمانی ۱۳۴۰، ۲۴۹). دوره کوتاه نادرشاه وضع از این بهتر نبود (همان، ۲۱۱). در روزگار زندیه، کرمان آباد شد و بناهایی نظیر ارگ حکومتی برپا گردید (همان، ۳۱۸) و باغ نظر و بناهای دیگر ساخته شد (همان، ۳۲۹). پناه گرفتن لطفعلی‌خان زند در این شهر، موجب شد تا شهر در ابتدای سده سیزدهم هجری قمری (۱۲۰۹ق) به دست لشکریان جزار آقامحمدخان قاجار تصرف و به ویرانه‌ای بدل شود و نفوس کرمان از بین برود (همان، ۳۶۶؛ نامی اصفهانی ۱۳۶۲، ۳۸۸ و ۳۸۹). سال‌ها پس از آن حاکمانی نظیر ابراهیم‌خان ظهیرالدوله در عمران و آبادانی شهر و محله‌های کرمان کوشیدند و آن را به نظم آوردند. از این پس، شهر و بازار توسعه یافت، بناها و مجموعه‌های خیریه و عام‌المنفعه خدماتی، آموزشی و مذهبی عظیمی مانند بازار، کاروان‌سرا و مدرسه ابراهیم‌خان و مسجد چهل‌ستون ساخته شد (باستانی پاریزی ۱۳۵۱، ۶۷۴). در این روزگار، شهر در درون بارو محصور بود و شش دروازه داشت (وزیری کرمانی ۱۳۴۵، ۲۷) (تصویر ۱۲). علاوه بر این، توسعه فیزیکی شهر در عرصه خارج از حصار، در حیطه آبادی‌ها و محله‌ها، با ساخت بناها و باغات و مزارع جریان داشت. دگرگونی شهری یک سده معاصر و به‌ویژه مداخلات چند دهه اخیر، بسیاری از ساختارهای و شواهد تاریخی کرمان را به کام نیستی کشاند.

۲.۲. جست‌وجوی مساجد جامع شهر کرمان

۲.۲.۱. مساجد شهر کرمان

بر اساس مندرجات و مسطورات تاریخ‌نامه‌ها و با استناد به شواهد به‌جامانده، از ابتدای استیلای اعراب و مسلمان شدن مردم منطقه کرمان، سپس حاکم شدن دودمان‌های گوناگون و تا اواخر دوره قاجاریه، مساجد بسیاری در شهر ساخته شد، اما همه آن‌ها به‌جا نمانده است. امروز از مساجد مهم و قدیم کرمان می‌توان به مسجد ملک (سده ششم هجری قمری)، مسجد جامع مظفری (سده هشتم هجری قمری)، مسجد پامنار (سده هشتم هجری قمری)، مسجد گنجعلی‌خان (سده یازدهم هجری قمری)، مسجد حاج‌آقا علی یا چهل‌ستون (سده سیزدهم هجری قمری) و مسجد پاکتنگ (سده چهاردهم هجری قمری) اشاره کرد. از مساجد دیگری هم در تواریخ کرمان نام برده شده است. برای نمونه محله‌های شهر مساجدی چند داشتند، در مزارات کرمان مساجدی نظیر مسجد مولانا نظام‌الدین محمود در محله سربالا (محرابی کرمانی ۱۳۳۰، ۳۷)، مسجد محله مردکان (همان، ۴۶)، مسجد محله کوی دینار (همان، ۹۲)، مسجد محله در زرنده، مسجد و منار سرافتاده و مسجد شیخ علی قدسی در همین محله (همان، ۹۶ و ۹۷) ذکر شده که در روزگار صفویه وجود داشتند. وزیری کرمانی در سده سیزدهم هجری قمری از ۱۳ مسجد به‌طور خاص نام برده و عنوان کرده که دست‌کم ۷۰ مسجد دیگر در محله‌های شهر برپاست (وزیری کرمانی ۱۳۴۵، ۳۰). مساجد کرمان همچون دیگر شهرهای ایران، کارکرد و مقیاس‌های گوناگونی داشتند. از آن جمله است مسجد محله، مسجد بازار، مسجد آمیخته با مجموعه‌های معماری و شهری و مسجد جامع یا جمعه.

از نکات جالب توجه شهر کرمان، که مورد نظر نوشتار پیش رو خواهد بود، این است که در طول روزگاران گذشته، چند مسجد در مقام جامع شهر قرار داشته و نماز جمعه در آن‌ها برگزار می‌شد. در ادامه، با استناد به مکتوبات تاریخی و شواهد به‌جامانده، شرح و بحث درباره مساجد مذکور، که شامل مسجد جامع سده نخستین، مسجد جامع ملک، مسجد جامع درب نو و مسجد جامع مظفری است، پی گرفته خواهد شد.

۲.۲.۲. مسجد جامع سده نخستین

نخستین مسجد شهر بردسیر، در روزگار بنی‌امیه، که حکمرانانشان در ولایت کرمان امارت داشتند، ساخته شد. زمان عمر بن عبدالعزیز، همراه دیگر بقاع خیر، در داخل شهر بردسیر مسجد جامع بنا کردند (منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۱۴) و ذکر این خلیفه بر محراب مسجد نوشته بود (ابوحامد کرمانی ۱۳۵۶، ۱۲۱). در تاریخ گزیده ذکر شده که در روزگار خلافت عبدالملک مروان (حک: ۶۶۵-۸۶ق)، حجاج در ۷۵ق، کسی به نام غضبان قیثری را به استخلاص کرمان فرستاد و سپس از آن دست برداشت. چون حکومت به عبدالعزیز رسید، وی کرمان را مسخر کرد و در آن‌جا جامع بساخت (مستوفی ۱۳۹۴، ۲۷۴). زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز کوتاه، از ۹۹ تا ۱۰۱ق بود (ابن‌اثیر، ۱۳۷۰، ج. ۷: ۲۸۸۵). او به حسن سلوک با مردم، به‌ویژه غیرمسلمانان شهرت داشت. بنابراین در آخر سده اول یا ابتدای سده دوم هجری قمری باید این

مسجد را ساخته باشند. اعراب ضمن تعقیب شاه یزگرد سوم، در سال ۳۱ق به کرمان وارد شدند (همان، ۲۸۶۱). در این مدت کمتر از هشتاد سال، دور از ذهن نیست که بینداریم مسجد یا مساجد دیگری در این شهر ساخته بودند، اما نه در مقام جامع شهر. موضع مسجدجامع مذکور به درستی معلوم نیست؛ این مسجد باید همانی باشد که جغرافی‌نویسان در سده چهارم نزدیک دژ آن را نشان می‌دادند (مقدسی، ۱۳۶۱، ج. ۲: ۶۸۳). بنا به گزارشی تاریخی، در زمان سلطان قاوود (فوت: ۴۶۶ق)، ابتدای سلجوقیان کرمان، محرابی از سنگ مرمر در مسجدجامع بردسیر نصب بوده که بر حواشی آن نوشته شده بود که ملک قره‌ارسلان بیک از فیروزآباد فارس به کرمان آورده است (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۱۱). این گزارش را افضل‌الدین کرمانی در ابتدای سده هفتم هجری قمری به دست داده که معلوم می‌کند بنا در این زمان برپا بود. از آن پس و از عاقبت این مسجد آگاهی وجود ندارد و شواهدی از آن به دست نیامده است.

در همان سده نخست هجری، ولایت کرمان مسجدجامع داشت، چنان‌که عبدالرحمن بن طارق در سال ۸۰ق بر منبرش رفت و لعن بر ابوسفیان و معاویه و یزید و عبدالملک مروان کرد (وزیری کرمانی ۱۳۴۰، ۴۲ و ۴۳). این مسجد را باید در سیرجان قدیم جست، که آن زمان دارالملک کرمان بود. شهر قدیم سیرجان ویران شده و از مسجد نخستین آن تا امروز شواهدی در دست نیست.

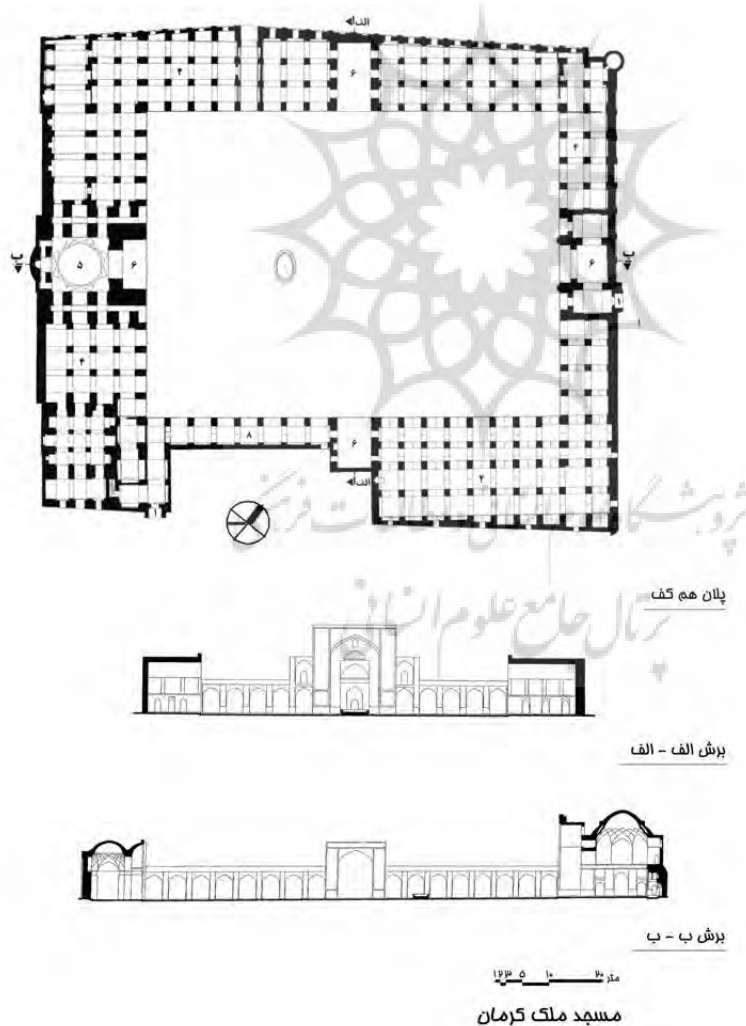
۳.۲.۲. مسجدجامع ملک

ملک تورانشاه در ۴۸۷ق «مسجدجامع» در ربض جنوبی شهر به محله سه‌شنبه، با وسعت تمام بنیان نهاد. امروز این محله به نام محله شاه عادل و مسجد به نام مسجد ملک شناخته می‌شود (تصویر ۱۲). «در ربض بیرون شهر، بنای سرای خویش فرمود و در جنب سرای مسجدجامع و خانقاه و بیمارستان و گرمابه و اوقاف شگرف بر آن نهاد» (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۱۸). در *سمط‌العلی* نیز ضمن نام بردن از «جامع ظاهر شهر کرمان» همین نظر تأیید شده است. «عماد الدین و الدین ملک تورانشاه تاج و تخت را به‌زیور طلعتش آرایش داد ... و جامع ظاهر شهر کرمان و رباط تورانشاهی و غیرها من بقاع الخیر و ابواب البر افرشته و بناکرده همت شاهانه آن پادشاه مبارک ایالت است» (منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۱۷). برخی منابع متأخر ساخت این مسجد را پیش از آن، یعنی به ملک قاوود سلجوقی نسبت می‌دهند (خبیصی ۱۳۴۳، ۲۹؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷، ج. ۴: ۱۱۸؛ وزیری کرمانی ۱۳۴۵، ۲۹). اطراف مسجد در سده اخیر به کل دگرگون شده، اما از همان ابتدا مسجد ملک با مجموعه‌ای از بقاع خیر ساخته شد و مرکز محله سه‌شنبه و ربض شهر را تشکیل می‌داد. بنا به قول افضل‌الدین کرمانی، این بنای معظم در اواخر سده ششم هجری قمری به نام «مسجدجامع ملک» اشتهار داشت. «تیر اول فرمود که اینجا مسجدجامع بسازید که این زمان مسجدجامع ملک است» (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۱۹). اکنون مسجدجامع ملک، بنایی چهارایوانی با صحنی بسیار گشاده است و همه فضاها و عناصر در پیرامون صحن مستقرند. شبستان‌هایی به ابعاد گوناگون در هر چهار سو طوری طرح‌اندازی شده که میانه هر یک ایوانی به صحن گشاده می‌شود. سوی قبله مسجد پرداخته‌تر و بااهمیت‌تر می‌نماید. ایوان سوی قبله بلندتر و گشاده‌تر است (تصویر ۱ و ۲). بر رخسار ایوان تزیینات آجری و کتیبه کوفی کار شده است (تصویر ۴)، نام «علاءالدوله و الدین تورانشاه ابن قره‌ارسلان معز امیرالمؤمنین» بر آن نوشته شده است (Anisi 2016, 153). گنبدخانه‌ای به همان پهنا و ایوان از افزوده‌های دوره قاجاریه در پشت ایوان واقع شده و به اندازه‌ای برپا گردیده که چندان بلندتر از ایوان نیست. تاریخ ۱۲۸۶ق مندرج بر کتابه گنبدخانه مؤید همین اقدام است. مناره‌ای نیمه‌ویران به قطر ۳/۵ و ارتفاع کمتر از ۶/۵ متر بر نبش جنوب غربی بیرون مسجد از اندام‌های غریب و پرداخته مسجد به شمار می‌رود (تصویر ۳). که گمان می‌رود از دوره سلجوقی به‌جا مانده باشد. ورودی‌هایی در حدود شمال و شرق و غرب امکان رفت‌وآمد را فراهم می‌سازند. بنا به اظهار پیرنیا، میان صحن مسجد پادیاوی (پایابی) وجود داشته که بعداً آن را پر کرده و با دیگر سطوح صحن برابر کردند (پیرنیا ۱۳۷۴، ۴۵ و ۴۶). آب قنات موسوم به مستوره از میان مسجد می‌گذشت (باستانی‌پاریزی ۱۳۶۸، ۵۱).

مرمت‌های دهه ۱۳۶۰ش و سال‌های پس از آن که با پی‌گردی‌هایی همراه بوده، شواهدی از بخش‌های اولیه و دوره‌های بعد موجود در مسجد ملک را آشکار کرده است. شبستان موسوم به امام حسن، با فاصله کمی واقع در جنوب ایوان قبله، کهن‌تر از دیگر بخش‌های مسجد است و شواهدی از ساختارهای خشت و گلین در آن معلوم شده است.

شبستان در اصل به اندازه سه چشمه در سه چشمه با سقف کوتاه است که طرح نه چشمه‌ای مانند مسجد نه گنبد بلخ را یادآوری می‌کند و به تاریخ سوم و چهارم هجری قمری نزدیک می‌نماید (Anisi 2016, 141 & 154). بالای این شبستان، بر پشت‌بام، اشکوب دیگری است که سه محراب گچ‌بری پُرکار از دوره سلجوقی بر دیوارش وجود دارد (تصویر ۵). بنابراین مسجد دوره سلجوقی (سده ششم هجری قمری) به این بخش کهن‌تر افزوده شده است.

هجوم غزها در میانه سده ششم هجری قمری به کرمان با خرابی و تاراج بسیار همراه بود. در این بلای نازل، بیش از همه ریض شهر آسیب دید و سر در نشیب خرابی نهاد (ابوحامد کرمانی ۱۳۳۶، ۹۳). دور از ذهن نیست که مسجد جامع واقع در ریض نیز در این گیرودار ویرانی، آسیب دیده باشد. با چنین رویدادهایی، این مسجد بارها تعمیر و بنای نخستین آن دگرگون شد (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸، ج. ۴: ۱۱۸). به همین سبب طرح اولیه و طرح مسجد دوره سلجوقی به روشنی معلوم نیست. اقدامات ساختمانی دوره صفویه با وجود نقاشی روی گچ‌بر روی بدنه آجرکاری دوره سلجوقی اثبات می‌شود (حاج‌قاسمی ۱۳۸۳، ۱۹۰). در سال ۱۲۸۴ ق‌حاج حسین‌خان شهاب‌الدوله طی دو سال حکمرانی‌اش بر کرمان، به تعمیر مسجد ملک پرداخت (وزیری کرمانی ۱۳۴۰، ۴۰۷؛ سعادت‌نوری ۱۳۴۲، ۸۳).



تصویر ۱: نقشه مسجد جامع ملک (حاج‌قاسمی ۱۳۸۳، ۱۹۲)



تصویر ۳: منار مسجد واقع در کنج شمال شرقی بیرون مسجد



تصویر ۲: ایوان و جبهه قبلی مسجد جامع ملک



تصویر ۵: محراب‌های گچ‌بری و ستون‌های دوره سلجوقی، واقع در فضای اشکوب بالای مسجد



تصویر ۴: کتیبه کوفی آجری داخل ایوان از روزگار تورانشاه در سده پنجم هجری

۲.۲.۴. مسجد جامع درب نو

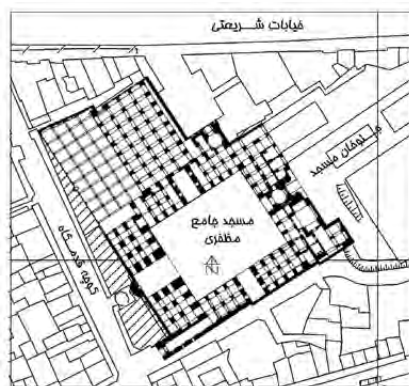
جز این‌ها، کرمان جامع دیگر هم داشته که بنا به مسطورات تاریخ شاهی قراختائیان، قتلغ ترکان (حک: ۶۵۵-۸۲۶ق) از فرمانروایان زن دوره قراختائیان در سال ۶۷۳ق، همراه دیگر ابواب خیر، بنا نهاد. این بنا «مسجد جامع درب نو» نام داشت (بی‌نا ۲۵۳۵، ۲۳۵). این حاکم دستی گشاده در ساخت بقاع خیر و مجموعه‌های مذهبی، آموزشی و خدماتی داشت و مدارس، خانقاه‌ها، کاروان‌سراها و آرامگاه‌هایی چند بنیان گذاشت. مسجد جامع مذکور مدت بسیار کمی برپا ماند، زیرا پس از فوت این خاتون، به فتوای مولانا شهاب‌الدین پسر تاج‌الدین السدید زوزنی که از او کینه به دل داشت، مسجد جامع درب نو را ویران ساختند و از بن برکنندند و دیگر اوقافش را ضایع نمودند (منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۴۳). مولانا شهاب‌الدین مذکور را ترکان خاتون با اینکه مقام تدریس مدرسه ترکانیه سپرده بود، به سبب دروغی که به او بسته بود، در قلعه مقید و محبوس کرد. پس از سرآمدن روزگار ترکان، مولانای مذکور همه هم خود را صرف برانداختن بنیادهای خیرات و مبراتش کرد (همان‌جا).

مسجد عاقبت نامیمونی داشت و شاید در کمتر جایی در تاریخ چنین روی داده باشد. کوچک‌ترین اشاره و آگاهی از ویژگی‌های معماری این بنا وجود ندارد. چند سالی پس از خرابی مسجد جامع درب نو (سال‌های واپسین سده هفتم هجری قمری)، در زمان فرمانروایی سلطان جلال‌الدین، از مسجد جامع شهر گفت‌وگو به میان آمده (منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۵۴)، اما نمی‌دانیم مقصود کدام مسجد است، مسجد جامع اولیه یا مسجد جامع ملک.

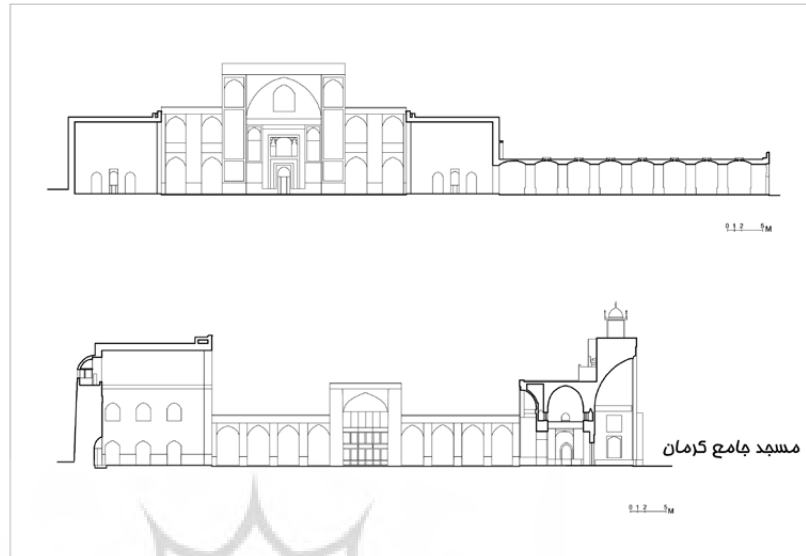
۲.۲.۵. مسجد جامع مظفری

در میانه سده هشتم هجری قمری، امیرمبارزالدین محمد مسجد جامع مظفری را در مجاورت شرقی بیرون شهر کرمان، با ایوان و صفه‌هایی بساخت. «در ظاهر شهر کرمان، به در زرد، مسجد جامع بنا فرمود که صفای صفة ایوانش از صفای عقیده بانی حکایت می‌کند» (معلم یزدی ۱۳۲۶، ۲۰۹). برای تیمن، یکی از عالمان یزد، مولانا عقیف‌الدین پسر مولانا محمد یعقوب، را بدانجا خواند تا نخستین نماز جمعه این مسجد را امامت کند (کتبی ۱۳۶۴، ۵۷). بنا را به آرایه‌های بسیار، از جمله کاشی‌های رنگین آراسته کردند. بر کتیبه سردر مسجد، نام بانی، معمار و تاریخ ۷۵۰ق، ذکر شده است (تصویر ۱۱). «عمل ببناء هذا لمسجد تقریباً الی الله تعالی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة ربہ الغفور محمد المظفر علی ید الاقل الأحقر الحاجی الخراسانی محتد الیزدی مولدا فی العشر الاول من شوال السنة خمسین و سبع مائه» (تصویر ۴۵، ۴۶ و ۴۷) (باستانی پاریزی ۱۳۳۵، ۶۰؛ به انضمام تصحیح نگارنده).

پوپ این مسجد را قدیم‌ترین اثر به‌جامانده از دودمانی ایرانی پس از بوییان و نمونه‌ای از سبک ملی ایرانی می‌داند (پوپ ۱۳۸۷، ۱۳۰۱-۱۳۰۲). مسجد جامع کرمان بنایی است چهارایوانی با صحنی وسیع (تصویر ۶ و ۷). پشت ایوان شمالی، سردر بلند مسجد قرار دارد که به سردر مسجد جامع یزد بسیار شبیه است (پوپ ۱۳۷۳، ۱۸۵) (تصویر ۱۰). پیش‌تر این سردر دو مناره داشت که در جریان به توپ بستن بنا هنگام حمله آغامحمدخان قاجار تخریب شد (همت ۱۳۵۰، ۱۰۷) و بقایای بخش زیرین آن باقی بود. مسجد به مساعی جواد مجدزاده کرمانی سال ۱۳۱۹ش مرمت شد. در پشت سردر، هشتی چهارگوش قرار دارد و هشتی از راه ایوان شمالی به صحن متصل می‌شود. ایوان قبلی، با ابعاد ۱۵×۱۰ متر، بزرگ‌تر و با بلندی معادل دو آشکوب، بلندتر و گشاده‌تر از سه ایوان دیگر است (تصویر ۸ و ۹). پشت این ایوان، فضای دیگری نیست. ایوان تا انتهای جداره قبلی مسجد ادامه یافته و در انتهای آن محراب مرمری و کاشی‌کاری پرکاری واقع است. سراسر نمای ایوان‌ها و سردر پوشیده از کاشی‌های معرق با نقوش متنوع است. چنان‌که می‌توان این مسجد را در زمانه خود از حیث وفور استفاده از کاشی یگانه دانست (بلر و بلوم ۱۳۹۱، ۲۵). این مسجد در دوره‌های بعد بارها مرمت شد و گسترش یافت اما شاکله معماری مظفری دگرگون نشد. شاهرخ نامی در روزگار پادشاهی شاه‌عباس دوم مسجد را تعمیر و تزئین کرد. محراب نفیس مسجد در انتهای ایوان بزرگ و کاشی‌کاری‌های آن به رقم خواجه بیک بن عنایت‌الله بن نظام‌الدین معمار اصفهانی است. بنا به اظهار اعتمادالسلطنه در *مرآة البلدان ناصری*، شستان زمستانی سوی شمالی مسجد در سده سیزدهم هجری بنا شده و بانی آن حاج سید جواد مجتهد، امام جمعه شیرازی الأصل کرمان بود (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸، ج ۴: ۲۰۳۴). در گذشته آب کاریز رحیم‌آباد از جلوی مسجد عبور می‌کرد و آب مصرفی مسجد از آن تأمین می‌شد، از جمله آب‌نمای جلوخان شرقی مشهور به دریاچه را تأمین می‌کرد (همت ۱۳۵۰، ۱۰۵). ایرج افشار در ۱۳۴۵ش سنگ کوچکی به‌اندازه یک خشت در مسجد جامع دید «که مورخ ۵۱۵ ه.ق است و کسی به نام ابی‌الخطاب طلب دعا از نمازگزاران کرده است» (افشار ۱۳۴۵، ۳۱۸). این باید همان سنگی باشد که باستانی پاریزی با اشاره به آن، پنداشته که مسجد را بر خرابه مسجد جامع درب نو ساختند (باستانی پاریزی ۲۵۳۵، ۳۳۳).



تصویر ۶: نقشه مسجد جامع مظفری کرمان (نقشه پایه از مرکز اسناد میراث‌فرهنگی استان کرمان)



تصویر ۷: نقشه مسجد جامع مظفری (مرکز اسناد میراث فرهنگی استان کرمان، بازنگاری: نیکزاد)



تصویر ۹: ضلع شرقی و شمالی صحن مسجد



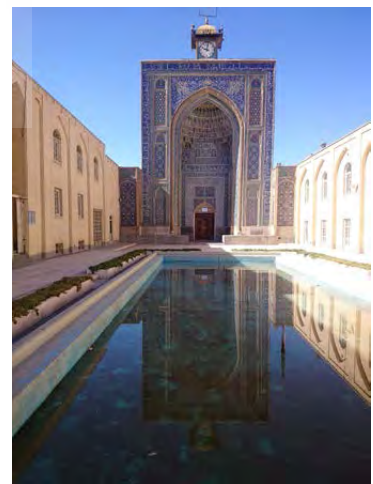
تصویر ۸: ایوان و ضلع قبلی مسجد

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۰ - پاییز و زمستان ۱۴۰۰
۵۷



تصویر ۱۱: کتابه کاشی به تاریخ ۷۵۰ق، مندرج بر سردر شرقی مسجد جامع مظفری



تصویر ۱۰: سردر و جلوخان شرقی مسجد

۳. تحلیل یافته‌ها: جست‌وجویی در جایگاه و معماری مساجد جامع

۳.۱. رابطه هم‌زمانی کارکرد مساجد و جامعیت آن‌ها

آن‌گونه که در گفتار پیشین شرح داده شد، در تاریخ‌نامه‌ها از چهار مسجد در مقام جامع شهر بردسیر یاد شده که به ترتیب زمان ساخت شامل مسجد جامع نخستین، ساخته روزگار عمر بن عبدالعزیز در آخر سده نخست هجری قمری (۹۹-۱۰۰ق)، مسجد جامع ملک، ساخته ملک تورانشاه سلجوقی در ۴۸۷ق، مسجد جامع درب نو، ساخته قتلغ ترکان قراختایی در ۶۷۳ق و مسجد جامع مظفری، ساخته امیر مبارزالدین محمد مظفری در ۷۵۰ق است. هریک از این مساجد جدید در حالی ساخته می‌شدند که مساجد پیش از آن‌ها بر جای بوده و کارکرد داشته است. زمانی که ملک تورانشاه مسجد جامعش را در ربض شهر می‌ساخت، مسجد اولیه در داخل حصار برپای بود، چنان‌که افضل‌الدین کرمانی در ابتدای سده هفتم هجری قمری مسجد را دیده و گزارشی درباره آن در کتابش به دست داده است (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۱۱). از حیات مسجد اولیه هنگام ساخت مسجد جامع درب نو آگاهی در دست نیست، اما مسجد جامع ملک برقرار بود، همچنان‌که تا امروز استوار مانده است. هنگام ساخت مسجد جامع مظفری، مسجد جامع درب نو با خاک یکسان شده بود، اما مسجد جامع ملک وجود داشت.

کمبود داده‌های تاریخی ما را از تحلیل دقیق و مستند درباره اینکه از سده پنجم هجری قمری به بعد در شهر بردسیر (کرمان) هم‌زمان در یک مسجد نماز جمعه خوانده می‌شد یا بیشتر، بازمی‌دارد. با این وصف که در سده ششم هجری قمری شهر در ربض گسترش یافته و واجد ساختارها و اندام‌های یک شهر شده بود، تصور اینکه هم‌زمان نماز جمعه هم در شهرستان برگزار می‌شد و هم در ربض دور از انتظار نیست، اما نبود اسناد تاریخی ما را از پافشاردن بر این تصور بازمی‌دارد.

اینکه یک شهر برخوردار از دو مسجد جامع یا بیشتر از آن در یک زمان باشد و در همه آن‌ها نماز جمعه برگزار شود، دور از واقعیت نیست. برخی شهرهای سرزمین اسلامی در سده‌های نخستین و میانه چنین وضعی داشته‌اند. نظیر شهر مداین که در اواخر سده سوم هجری قمری دو مسجد جامع داشت (ابن‌رسته ۱۳۸۰، ۲۱۷). شهر طالقان نیز در همین زمان برخوردار از دو مسجد جامع بود و روز جمعه در هر دوی آن‌ها نماز برگزار می‌شد (یعقوبی ۱۳۸۱، ۵۱) به قول مافروخی، در دو مسجد اصفهان نماز جمعه خوانده می‌شد: یکی مسجد جامع کبیر یا مسجد جامع عتیق از سده نخست هجری قمری و دیگری مسجد جامع صغیر، معروف به جامع جورجیر که در سده چهارم هجری قمری بنیان یافته بود (آوی ۱۳۲۸، ۶۳). شهری چون بم که در ایالت کرمان واقع شده، در سده چهارم هجری قمری سه مسجد جامع هم‌زمان داشت که در آن‌ها نماز جمعه برپا می‌شد؛ «یکی مسجد خوارج واقع در بازار، دیگر مسجد اهل سنت در [کوی] بزازان، سوم مسجد جمعی در قلعه» (ابن‌حوقل ۱۳۶۶، ۷۷). شیراز به‌مرور برخوردار از سه مسجد، که جایگاه جامع داشتند گردید و در هر سه آن‌ها نماز برپا می‌شد. نخستین مسجد جامع عتیق در سده سوم هجری قمری، دومین مسجد نو (اتابکی) در سده ششم هجری قمری و سومین، مسجد وکیل که در دوره زندیه ساخته شد (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸، ج. ۴: ۲۰۱۸-۲۰۱۷).

باید اندیشید در شهر کرمان هم حکایت چنین بوده است یا ساختار دیگری جریان داشت. اغلب شهرهای دارای چند مسجد جامع، به سبب رواج و گرایش مذهب‌ها و مسلک‌های گوناگون اسلامی میان مردم و علما بوده است. هریک از گرایش‌های مذهبی غالب مسجد جمعی داشتند و گاه در یک مسجد جامع بزرگ مانند جامع اصفهان، نمازهایی چند برگزار می‌شد. اسلام در بردسیر بر مدار تسنن می‌بود و جز دوره کوتاه فرمانروایی آل بویه، اغلب حاکمان و مردم شهر تا فرارسیدن روزگار صفویه، بر مذهب شافعی بودند (ابوحامد کرمانی ۱۳۵۶، ۱۳۲). عرفا و صوفیه جایگاه منیعی داشتند و خانقاه‌های فراوانی در شهر کرمان و دیگر مناطق وجود داشت. اما مذاهب دیگری که در شهر بودند چندان قوتی نمی‌گرفتند. ملک ایران‌شاه، فرزند و جانشین ملک تورانشاه را در ابتدای سده ششم هجری قمری به‌ظن اینکه با باطنیان مکاتب و مصادقت می‌ورزید، به فتوای علما و قضات به قتل آوردند (منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۱۷). بنابراین اگرچه دست‌کم چهار مسجد به مسجد جامع در شهر کرمان نامبردار شده و با این مقام بنیان می‌یافتند، به نظر می‌رسد با بنیان

مسجدجامع جدید نماز جمعه در این مسجد جدید برپا می‌شد و مسجد پیشین از دایره جامع بودن خارج می‌شد. هر چند گزارش تاریخی متقنی بر این مطلب به دست نیامده، در جایی هم از دو یا چند مساجد جامع هم‌زمان در شهر کرمان (بردسیر) گزارش نشده است. مسجدجامع مظفری آخرین آن مساجد جامع است و از آن پس مسجد دیگری در این مقام ساخته نشد و جای آن را در شهر کرمان نگرفت. از روزگار صفویه به بعد تا دوره قاجاریه که ساخت مساجد جامع جدید در شهرهای ایران رواج یافت و به «مسجد شاه» یا «مسجد سلطانی» نامبردار بودند، اما در کرمان چنین مساجدی ساخته نشد. نمونه این مساجد در شهرهایی نظیر قزوین، اصفهان، سمنان، بروجرد و تهران پا گرفتند.

۲.۳. مکان‌گزینی مساجد جامع

۱.۲.۳. تحولات تاریخی شهر و مساجد جامع

آن‌گونه که پیش از این گفته شد، نخستین مسجدجامع در اواخر سده نخست در شهر بردسیر بنا شد (منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۱۴). به روشنی نمی‌توان اظهار کرد که مسجد اولیه در داخل یا کنار عرصه شهر ساسانی ساخته و به آن شهر افزوده شد. در آن زمان قاعدتا آتشکده هم وجود داشت. در شرح بنای شهر در روزگار باستان، به احداث «آتش‌خانه معبد» در بردسیر اشاره شده است (همان، ۱۲). پیروان دین زرتشتی همواره حضور خود را در کرمان حفظ کردند و بر آیین خود استوار ماندند. اینکه آتشکده قدیم تا کی برقرار بوده، آگاهی در دست نیست. زرتشتیان کرمان تا هنگام حکومت غضبان بن قبعثری، در روزگار خلافت عبدالملک مروان (حک: ۶۵-۸۱ق)، کمال قوت را داشتند. امیر مزبور بسیاری از آتشکده‌های شهرها و بلوکات کرمان را ویران کرد و بسیاری از ایشان را مسلمان کرد و در همه شهرها «مسجد بساخت و مؤذن و خادم قرار داد و خرج تعمیر و وظیفه خدمه و مؤذن را از بیت‌المال مقرر داشت» (وزیری کرمانی ۱۳۴۰، ۴۵). بردسیر را از جمله همین شهرها می‌توان پنداشت.

عرصه شهر پیش از اسلام بردسیر را اکنون به درستی نمی‌توان مشخص کرد. احمدعلی خان وزیر در جغرافیای مملکت کرمان شهر ساسانی کرمان را حدود شرقی و شمالی شهر قدیم، در محدوده محله شهر شناسانده است (همو ۱۳۴۵، ۲۶) (تصویر ۱۲). حصار و خندقی دور شهر در سده چهارم هجری قمری ساخته شد (ابوحامد کرمانی ۱۳۵۶، ۱۲۴). اما هم شهر و هم قلعه‌ها پیش از این وجود داشتند، پس در این زمان بر وسعت و استحکامشان افزوده شد. مقدسی در این سده توصیفی کلی از شهر بردسیر به دست داده و مسجدجامع را نزدیک دژ نشان داده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ج. ۲: ۶۸۳). این نشانی می‌تواند به معنای وجود مسجد در عرصه شرقی شهر، که به قلعه نزدیک است، تلقی شود. با ذکر همه این اوصاف، مکان‌یابی مشخص مسجدجامع نخستین ممکن نمی‌شود. اما نشان می‌دهد که سوی شرقی شهر به سبب گرایش آن به سوی قلاع مستحکم اهمیت داشته است. حدود شرقی شهر به سبب نزدیکی به کوهچه‌ای که قلعه‌ها بر آن واقع شده‌اند، تا زمان قاجاریه توسعه نمی‌یافت. پس نمی‌توان به دقت معلوم کرد که مسجدجامع اولیه در درون حصار ساخته شده بود یا در عرصه خارج از حصار و نزدیک به قلعه. از این‌روی که در سده نخست هجری قمری جمعیت زرتشتی در کرمان غلبه داشتند، گمان بنیان مسجدجامع نخستین در خارج از حصار را پررنگ‌تر می‌توان مطرح ساخت. با توجه به شواهد موجود و اشارات صریح تاریخی، مسجدجامع ملک اواخر سده پنجم هجری قمری در محدوده «ریض شهر» بنیان یافت، همان‌جایی که محله سه‌شنبه‌ی در عرصه جنوبی خارج شهر شکل گرفت و توسعه یافت. ریض شهر چنان وسعتی یافت که خود شهری شد و برخوردار از همه امکانات از قبیل بازار، خانقاه‌ها، بقاع و بناهای خیریه دیگر، حمام، کاروان‌سرا، بازار، باغات، خانه‌های مردم و اعیان شهر و سرای ملک (کاخ) بود. با این وصف، ایده توسعه شهر در خارج از حصار و باروی قدیم، با بنیان مسجدجامع جدید که محل تجمع مذهبی و سیاسی می‌بود، در اواخر سده پنجم هجری قمری ممکن شد. مسجدجامع مهم‌ترین اندام شهر برای تأکید بر اهمیت و اعتبار عرصه توسعه‌یافته شهر به شمار می‌رفت. در این دوره شهر دوران باثبات و رونق خود را می‌گذراند. توسعه شهر در عرصه جنوبی، با اهمیت تجاری کرمان به سمت هرمز و خلیج فارس، از طریق جبرفت و هرمز، ارتباط عمیق دارد (محمدمرادی ۱۳۷۸، ۳۲۷).

با در نظر داشتن این موضوع که شواهد مسجدی قدیمی‌تر، به صورت نمازخانه‌ای در دل مسجد فعلی وجود دارد

(Anisi 2016, 137). معلوم می‌شود این مسجد را به روزگار سلجوقی در کنار یا بر روی مسجدی قدیمی تر بنا کردند. مسجد قدیمی مذکور در حدود جنوبی و خارج از محدوده حصاربست شهر و دور از قلعه قرار داشته است. بنابراین احتمال اینکه بقایای قدیمی یافت‌شده نشان دهد که مسجد اولیه شهر در اینجا بوده، منتفی است زیرا از قلعه دور است و با گزارش مقدسی سازگاری ندارد؛ اما معلوم می‌دارد در سده‌های نخستین هجری قمری، علاوه بر مسجدجامع، مسجد یا مساجد دیگری در داخل یا خارج شهر بردسیر ساخته می‌شد. دیگر اینکه محله سه‌شنبهی بر زمین بکر بنا نشد، بلکه پیش از آن در آنجا سکونت جریان داشت و سپس توسعه یافت.

وجه تسمیه مسجدجامع درب نو به گمان می‌تواند نزدیک بودن این بنا به دروازه‌ای با نام «درب نو» باشد، اما درب نو در کجای شهر گشوده بود؟ گمان باستانی پاریزی در یکی از پانوشته‌های تاریخ‌شاهی قراختائیان این است که جای مسجد درب نو ممکن است در سوی شرق، همان مکان باشد که مبارزالدین محمد مسجدجامع خویش را در آن برپا داشت. شاهد او سنگی بوده که سابقاً برپای سردر نصب بوده و کسانی آن را دیده بودند، اما به سرقت رفته و دیگر موجودیت نداشت (باستانی پاریزی ۲۵۳۵، ۳۳۳). این گمان را نمی‌توان به راحتی پذیرفت، زیرا «در زرنده» در سوی شرقی حصار شهر، که مسجدجامع مظفری را در بیرون آن ساختند، همواره به همین نام خوانده می‌شد و دست کم تا سده هشتم و نهم هجری قمری تغییر نیافته بود. در روزگار ملک تورانشاه، در اواخر سده ششم هجری، پیش از بلیه غزها، صحبت از وجود «درب نو» به قرب قلعه کهن است (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۸۲) و در سلجوقیان و غز در کرمان هم در وقایع ۵۹۱ق به «دروازه درب نو» بر شهر بردسیر اشاره شده است (خبیصی ۱۳۴۳، ۲۰۲). به نظر می‌رسد اواخر فرمانروایی سلجوقیان کرمان در میانه سده ششم هجری قمری ساخته باشند. قلعه کهن همان بنایی است که امروز به قلعه اردشیر نام‌بردار است و حدود بارو و حصار شهر هیچگاه به پای آن قلعه نرسید. با این نشانی، ذهن به سوی خارج از حصار کشیده می‌شود، با این حال بازشناسی مکان این دروازه چندان ممکن نیست و در نتیجه جای ساخت مسجدجامع درب نو را به درستی نمی‌توان مکان‌یابی کرد. فهمیدن این نکته که مسجد مذکور در محدوده داخل حصار (شهرستان) ساخته شده یا بیرون شهر، همچنان در هاله‌ای از ابهام می‌ماند.

مسجدجامع مظفری در عرصه شرقی ظاهر شهر، بر «در زرنده» ساخته شد (معلم یزدی ۱۳۲۶، ۲۰۹)، جایی بین قلعه و شهرستان. مکان این مسجد معلوم است (تصویر ۱۲)، اما نه همچون وضعی که در سده هشتم هجری قمری داشته، زیرا در دوره قاجاریه، با توجه به جابه‌جایی دروازه زرنده به آن سوی شرقی و تغییر نام آن به «دروازه مسجد» (وزیری کرمانی ۱۳۴۰، ۳۲۷)، جامع شهر به درون شهر آمد. چرا محل احداث مسجدجامع در خارج شرقی از شهر برگزیده شد؟ ورودی اصلی مسجد با سردری متکلف و دو منار، رو به بیرون شهر داشته و البته در کوچک‌تری به سوی داخل شهر. شاید به این سبب که عرصه فراخ و احتمالاً بدون معارض آن سوی خندق و حصار، ساخت مسجد را با دشواری روبه‌رو نمی‌کرد و برای توسعه آینده مجموعه زحمت‌چندانی به وجود نمی‌آورد. شهر داخل حصار با اینکه در سده‌های بعد چند بار به جهات گوناگون گسترش یافت، اما حدود شهر در سوی شرقی آن تا توسعه میانه دوره قاجاریه، با وجود مسجدجامع مظفری، تقریباً ثابت ماند. دلیل اصلی این مکان‌گزینی را باید در الگوی توسعه شهر کرمان جست، به این نحو که پس از احداث استحکامات حصین دور شهر در زمان ابوعلی محمدبن الیاس، شهر در خارج از بارو (شهرستان) گسترش می‌یافت، بدون اینکه پوسته شهر قدیم محصور در حصار شکافته شود. محله‌های سه‌شنبهی و ترک‌آباد، نمونه‌های پیشین بودند. نکته دیگر اینکه مسجدجامع جدید، در ابتدای محور بازار که از دروازه زرنده آغاز می‌شد، مکان‌یابی شده بود. به این ترتیب مسجدجامع به رگ حیاتی اقتصاد شهر پیوند داشت.

۳.۲.۲. نسبت شهر و مساجد جامع

در مجموع این‌طور استنباط می‌شود که مساجد جامع مذکور هریک در جایی ساخته می‌شد و عرصه مجزایی از دیگری داشت. ظاهراً هیچ‌یک بر جای دیگری قرار نمی‌گرفت و با وجود مسجدجامع پیشین، کار مسجدجامع جدید به‌لحاظ عملکردی و تثبیت جایگاه تازه آغاز می‌شد. شاید چنین سرگذشتی درباره مساجد جامع را در کمتر شهری بتوان جست. دیگر اینکه به گمان استنباط می‌شود هریک از مساجد در خارج از حصار شهر بنیان می‌یافتند. مسجدجامع اولیه نزدیک

به قلعه کهن، مسجدجامع ملک در ریض جنوبی، مسجد درب نو نزدیک به قلعه، بر یکی از دروازه‌های شهر و به گمان در سوی شرق، در آخر مسجدجامع مظفری در سوی شرقی خارج از شهر و در کنار دروازه (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: شهر کرمان در دوره قاجاریه، جانمایی مساجد بر روی نقشه ژارینف روس در ۱۸۵۹م/۱۲۷۵ق. ۱ و ۲. قلعه دختر و قلعه اردشیر؛ ۳. مسجدجامع ملک؛ ۴. مسجدجامع مظفری (مهریار، فخر تهرانی، و فتح‌الله‌یف ۱۳۷۸، ۱۸۹ جانمایی بناها: نگارنده)

۳.۳. طرح معماری مساجد جامع

۱.۳.۳. ابهام در شناخت طرح معماری مساجد

شهر بردسیر در سده نخست هجری قمری که مواجه با ورود اعراب شد، چندان بزرگ نبود و مسجد اولیه‌ای که ساخته شد، قاعدتاً متناسب با وسعت و جمعیت شهر می‌بود، اما در اوایل سده چهارم هجری قمری، این شهر جایگاه دارالملک یافت و بر اهمیتش افزوده شد. گزارشی مبنی بر اینکه با ارتقای شهر مسجدجامع هم دچار توسعه و تحول شده باشد در دست نیست. ابوعلی محمد بن الیاس و سپس عضدالدوله دیلمی و دیگران در کرمان آبادانی‌های بسیار کردند و از این‌رو هیچ بعید نیست دستی هم در بنای مسجد برده و آن را توسعه داده یا دگرگون ساخته باشند.

طرح معماری مسجد اولیه ناروشن است. شاید این مسجد هم به‌سان همه مساجدی که در سده‌های نخست در ایران ساخته می‌شد، مسجدی شبستانی بوده و صحنی هم در میان داشته است. در جست‌وجوی مساجد اولیه در ولایت کرمان، مسجدجامع بم و جیرفت را برای بیان مشابهت می‌توان نام برد. مسجدجامع بم که در محدوده شهر داخل حصار قرار داشته، تحولات دوره‌های گوناگون را تجربه کرد (گوبه ۱۳۶۵، ۳۰۹) و تا پیش از زمین‌لرزه ۱۳۸۲ش برپا بود و مسجدجامع جیرفت، واقع در محوطه دقینوس، که در سده سوم هجری قمری به فرمان عمرولیث صفاری برپای شده (وزیری کرمانی ۱۳۴۰، ۵۷) و در اثر کاوش باستان‌شناسی ظاهر شد، طرح شبستانی داشته‌اند. انتظار چنان مسجدی در کرمان داشتن دور از ذهن نیست. هرچند کوچک‌ترین شواهدی برای اثبات گمان یادشده در دست نیست. همین ابهام درباره مسجدجامع درب نو نیز وجود دارد. کوچک‌ترین داده یا شواهدی در این باره در دست نیست. با این حال باید توجه داشت که مسجد مذکور دو سده پس از مسجدجامع ملک ساخته شد که بنایی است موجود با طرح ایوان‌دار و صحنی

وسیع در میان و مناره‌ای در خارج از مسجد. ایرادی نیست که مسجد جامع ترکان خاتون را ایوان‌دار بپنداریم. مشکل دیگر اینجاست که طرح فعلی مسجد جامع ملک حاصل دگرگونی‌های پس از بنیان‌بناس است. جز آثاری از دوره سلجوقی در جبهه قبلی، طرح اولیه مسجد به‌درستی معلوم نیست. در همان بازه زمانی، پیروی از طرح چهارایوانی ناآشنا نبود. مسجد جامع ورامین با چنین تهرنگی به وجود آمد و مسجد جامع مظفری شش دهه پس از مسجد جامع درب نو، با طرح چهارایوانی در کرمان ساخته شد که طرح جاافتاده‌ای در سده هفتم و هشتم هجری قمری در ایران محسوب می‌شد. به تأیید تاریخ شاهی قراختائیان، در این زمان از آرایه‌های کاشی برای زینت بخشیدن به سیمای بناها بهره می‌جستند. نمونه آن مدرسه ترکانیه بوده است که به فرمان قتلغ ترکان، بانوی فرمانروای کرمان در سده هفتم هجری قمری، توسعه و رونق یافت، مملو از چنین کاشی‌هایی بود (بی‌نا ۲۵۳۵، ۱۷۶). آثار و بقایای کاشی‌های مذکور در این مکان نگهداری می‌شود. همچنین در قلعه دختر نیز بقایای کاشی‌های زرین‌فام بسیاری به دست آمده است (امیرحاجلو و دیگران ۱۳۹۹). پس دور از ذهن نیست که در آراستن مسجد جامع ویران شده از کاشی استفاده کرده باشند. چند دهه بعد در آراستن مسجد جامع مظفری از آرایه کاشی به‌وفور بهره جستند. این چنین پرداختن بنای مساجد و مدارس به دست استادکاران چربدست معماری و صنایع متعلق بدان در کرمان تجربه می‌شد، به‌طوری که تا رسیدن به سده هشتم هجری قمری به کمال خود رسید.

پس از سرآمدن حکومت مظفریان، در سده‌های بعد که فرمانروایان قدرتمند تیموری، صفوی، زندیه و قاجاریه در شهر کرمان فرمان می‌راندند، ساخت مساجد معظم متوقف نشد، با وجود این و برخلاف گذشته، مسجد جامع مظفری جایگاه جامع بودنش محفوظ ماند و بنای دیگری جای آن را نگرفت. مسجدی که امیر مبارزالدین ساخت، مقبولیت یافت و همواره در آن مسجد جمعه برپای داشته می‌شد، به‌طوری که در روزگار صفویه بر زیب و زینتش و در اواخر قاجار بر وسعتش افزودند. حتی گلوله‌های توپ آغامحمدخان قاجار و زمین‌لرزه‌های مهیب ۱۲۸۰ ق که ایوان مسجد جامع فرو ریخت (امبرسز و ملویل ۱۳۷۰، ۱۹۱)، نتوانست از رونقش بکاهد.

۲.۳.۳. مساجد جامع و مستحدثات آن‌ها

مساجد جامع یادشده را نباید بناهایی تنها پنداشت، بلکه با مستحدثات عمومی و خیریه دیگری همراه بوده‌اند. از مشخصات پیرامونی مسجد جامع سده نخستین آگاهی در دست نیست. بر ظاهر درب نو که مسجد جامع درب نو نیز به این دروازه نام‌بردار بوده، مدرسه عالی دلگشای، خانقاهی رفیع، بیمارستانی شفابخش از احداثات جلال‌الدین سیورغتمش، حاکم کرمان پس از ترکان خاتون قرار داشت (منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۵۸). چه بسا این مجموعه معماری همجوار مسجد مذکور بوده است. مسجد جامع ملک را همراه با مجموعه معماری و شهری وسیعی در همان زمان ملک تورانشاه ساختند و پرداختند (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۱۸) و سپس بساط دیگر نیز در همان محوطه گسترده شد. از آن‌همه مستحدثات خیریه، فقط حمامی از دوره صفویه برجای مانده است. برخی را عقیده بر این است که مسجد جامع مظفری همراه با مستحدثات دیگری بوده و از آن ساخته‌های دیگر اثری نمانده است (وزیری کرمانی ۱۳۴۰، ۳۸؛ غنی، ۱۳۸۹، ۱۸۵). اسناد و تاریخ‌نامه‌ها نکته‌ای درباره بناهای متصل به مسجد ندارند، مگر بنای دارالسیاده‌ای که امیرمبارزالدین پس از فراغت از ساخت مسجد آن را داخل شهر در محله سرمیدان، نزدیک قصر همایون برپای داشت (معلم یزدی ۱۳۲۶، ۲۱۰)، که آن ارتباطی و اتصالی با مسجد نداشت.

نتیجه

پژوهش ارائه‌شده برای شناسایی و روشن کردن جایگاه نهاد مسجد جامع در طول تاریخ پرفرازونشیب شهر کرمان طرح شد. برای نیل به مقصود، از داده‌های تاریخی که در تاریخ‌نامه‌های محلی و کتب جغرافیایی تاریخی به دست آمد و با جست‌وجو در آثار و شواهد تاریخی موجود در شهر بهره‌گیری شد. با وجود ابهام در مستندات تاریخی و کمبود شواهد، می‌توان فهمید که ساخت مساجد جامع در قرون متمادی، از سده نخست تا سده هشتم هجری قمری، رسمی متداول در کرمان بود و ظاهراً اغلب آن‌ها در خارج حصاربست شهر قدیم مکان‌گزینی می‌شدند. از چهار مسجد جامع شناسایی شده

در این پژوهش، جز دو مسجدی که موجودند، از دو تای دیگر کمترین آگاهی، آن هم لابلای مندرجات تاریخ‌نامه‌ها در دست است و مکان آن‌ها را به‌دقت نمی‌توان شناخت، اما گمان بر ساخت آن‌ها در خارج از حصار است. با احتیاط می‌توان اظهار کرد از چهار مسجدجامع، جز مسجدجامع ملک، باقی مساجد را در حدود شرقی ظاهر شهر مکان‌گزینی کرده بودند که دلیل اصلی آن می‌تواند نحوه توسعه شهر و اهمیت عرصه شرقی شهر در ارتباط با قلعه‌های مستحکم کرمان تلقی شود.

برآورد کلی این است که مسجدجامع در شهر کرمان، برخلاف بسیاری از شهرهای قدیم که در درون شهرستان مستقر شده و به‌لحاظ طراحی شهری مرکزیت داشته و محل به هم رسیدن گذرها و عبور شریان‌های مهم بوده، تلاشی برای استقرار چنین نهادی در هسته اصلی شهر صورت نمی‌گرفت، بلکه از الگوی بنیان مسجدجامع در عرصه خارج از شهرستان (داخل حصار) پیروی می‌کرد. مساجدی مانند جامع ملک و جامع مظفری، به ترتیب پس از سده‌های میانه هجری قمری و میانه دوره قاجاریه، در جریان توسعه شهر، داخل حصار شهرستان واقع شدند.

از دشواری‌ها و کمبودهای این پژوهش، می‌توان به در دست نبودن شواهدی از دو تا از مساجد جامع در شهر کرمان اشاره کرد. همچنین خلأیی را که در مکتوبات تاریخی درباره مکان‌یابی و معماری این بناها وجود دارد، شاید بتوان با کسب داده‌های میدانی با روش‌های باستان‌شناسی و در نهایت کشف شواهد مادی پر کرد، اما چنین پژوهش‌هایی در شهر کرمان به‌صورت نظام‌مند پیش نرفته است. چه در حین مرمت بناها و چه هنگام اجرای طرح‌های عمرانی شهری و ساخت و سازها توسط مردم که با خاک‌برداری و برداشتن ساختارهای قدیمی همراه است. باستان‌شناسی شهری یکی از راه‌های مهم یافتن بقایای مساجد اولیه کرمان، که خبر آن‌ها در متون تاریخی داده شده، می‌باشد. البته بسیاری از بناها و مجموعه‌های مهم تاریخی که امروزه یا اثری از آن‌ها وجود ندارد یا بخش‌های زیادی از آن‌ها مفقود و مخدوش شده‌اند، در دایره این پژوهش‌ها می‌گنجند. هم مساجد کهن کرمان نیاز به پژوهش‌های عمیق میدانی و کتابخانه‌ای دارد و هم مساجدی که نشانی از آن‌ها به‌دست داده شده نیاز است برای ردیابی و جست‌وجوی شواهد و بقایای آن‌ها راه‌حلی‌اندیشیده شود. آثار بسیاری که روزگاری عرصه منسجم و یکپارچه تاریخی شهر را تشکیل می‌داد، در جریان مداخله‌های نهادهای دولتی و فعالیت‌های مردم، طی چند دهه اخیر از بین رفته است، بدون آنکه مستندات از آن‌ها تهیه شود یا تحقیقی درباره آن‌ها صورت گرفته باشد.

پی‌نوشت

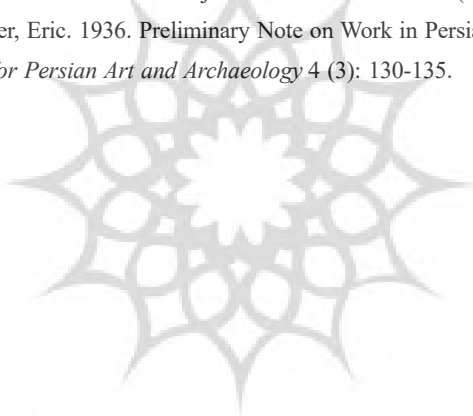
* خواجوی کرمانی این مطلب را به شعر آورده است: «بانی او اردشیر بابکان / والی او یزدجرد شهریار // تختگاه خسروان کامران / بارگاه سروران کامکار // یارب آن خاک و هوا را تا به خشر / ز آتش و آب و هوا محروس دار» (خواجوی کرمانی ۱۳۶۹، ۵۸۷-۵۸۸).

منابع

- آوی، حسین بن محمد بن ابی‌الرضا. ۱۳۲۸. ترجمه محاسن اصفهان. به‌اهتمام عباس اقبال. ضمیمه مجله یادگار.
- ابن‌اثیر، عزالدین. ۱۳۷۰. تاریخ کامل. برگردان سید حسین روحانی. چ ۳. تهران: اساطیر.
- ابن‌حوقل. ۱۳۶۶. سفرنامه ابن‌حوقل، ایران در صورت الارض. ترجمه و توضیح جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- ابوحامد کرمانی، افضل‌الدین حمید بن احمد. ۱۳۲۶. تاریخ افضل یا بدایع الأزمان فی وقایع کرمان. فرآورده مهدی بیانی. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ ۱۳۵۶. عقده‌العلی للموقوف‌الاعلی. به‌تصحیح و اهتمام علی محمد عامری نائینی. کرمان: دانشگاه تهران. تهران: روزبهان.
- احمدزاده، فرید، حامد نورسی، و مریم هنرمندان. ۱۳۹۷. «بازشناسی کتیبه‌های مسجدجامع مظفری کرمان». مطالعات ایران‌شناسی ۱۱ (۴): ۴۷-۶۶.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. ۱۳۶۸. مرآة البلدان ناصری. به‌کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.

- ابن بلخی، ۱۳۶۳. *فارسنامه*. تصحیح و تحشیه گای لسترنج. تهران: اساطیر.
- افشار، ایرج. شهریور ۱۳۴۵. «بیست شهر و هزار فرسنگ». *مجله یغما*، ش. ۲۱۸: ۳۱۴-۳۱۹.
- امبرسز، نیکلاس، و چارلز ملویل. ۱۳۷۰. *تاریخ زمین لرزه‌های ایران*. ترجمه ابوالحسن رده. تهران: آگاه.
- امیرحاجلو، سعید، سیدمحمدامین امامی، داوود آقایی و رضا ریاحیان. ۱۳۹۹. «معرفی و طبقه‌بندی و ساختارشناسی کاشی‌های زرین‌فام یافت‌شده از قلعه دختر کرمان». *پژوهه باستان‌شناسی* ۶ (۲): ۱-۲۴.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. ۱۳۳۵. *راهنمای آثار تاریخی کرمان*. کرمان: اداره کل فرهنگ کرمان.
- _____ . ۱۳۵۱. «مجموعه‌های تاریخی در کرمان: مجموعه گنجعلی‌خان». *مجله یغما*، ش. ۲۹۳: ۶۷۰-۶۷۶.
- _____ . ۱۳۶۸. *گنجعلیخان*. تهران: اساطیر.
- بی‌نا. ۲۵۳۵. *تاریخ شاهی قراختائیان*. به‌اهتمام و تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- باستانی پاریزی. ۲۵۳۵. «دیاچه». در *تاریخ شاهی قراختائیان*. بی‌نا. تهران: بنیاد فرهنگ ایران: ص نهم تا هفتادونهم.
- بلر، شیلا، و جانانان بلوم. ۱۳۹۱. *هنر و معماری اسلامی*. ترجمه اردشیر اشراقی. تهران: سروش.
- پوپ، آرتور آپهام. ۱۳۷۳. *معماری ایران*. ترجمه غلامحسین صدری افشار. چ ۳. تهران: فرهنگ‌ان.
- _____ . ۱۳۸۷. «معماری دوره اسلامی؛ سده هشتم هجری». ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. در *سیری در هنر ایران*. زیر نظر آرتور آپهام پوپ و فیلیس آکرم، ویرایش زیر نظر سیروس پرهام. چ ۳. تهران: علمی و فرهنگی: ص ۱۲۵۷-۱۳۰۴.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۷۴. *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. تدوین غلامحسین معماریان. چ ۳. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- حاج‌قاسمی، کامبیز. ۱۳۸۳. *گنجنامه؛ دفتر ششم: مساجد*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، روزنه.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی. ۱۳۸۰. *زبدة التواریخ*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات سیدکمال حاج سیدجوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حیدری باباکمال، یدالله، مریم دهقان، و محسن حاج‌حسینی. ۱۳۹۱. «تأملی بر تزیینات محراب‌های سلجوقی مسجد ملک کرمان با استناد به متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی». *مطالعات تاریخ ایران اسلامی*، ۱ (۴): ۳۸-۴۹.
- خبیصی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۴۳. *تاریخ کرمان (سلجوقیان و غز در کرمان)*. تصحیح، تحشیه و مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی. مجموعه زبان و فرهنگ ایران، تهران: طهوری.
- خواجوی کرمانی. ۱۳۶۹. *دیوان اشعار خواجو کرمانی*. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. چ ۲. تهران: پاژنگ.
- سعادت‌نوری، حسین. ۱۳۴۴. «أصف‌الدوله‌ها: حاج غلامرضا أصف‌الدوله شاهسون». *مجله یغما*، ش. ۱۷۸: ۸۳-۸۷.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن حسن. ۱۳۶۳. *مجمع الانساب*. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- غنی، قاسم. ۱۳۸۹. *تاریخ عصر حافظ*. با مقدمه محمد قزوینی. تهران: زوار.
- کتبی، محمود. ۱۳۶۴. *تاریخ آل مظفر*. به‌اهتمام و تحشیه عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گوبه، هانس. ۱۳۶۵. «ارگ بم». ترجمه کرامت‌الله افسر. در *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*. به‌کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: چاپ ارشاد با همکاری هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما).
- محرابی کرمانی، خطیب. ۱۳۳۰. *تذکره الاولیا یا منارات کرمان*. به‌راهنمایی و مساعی سید محمد هاشمی کرمانی، به‌اهتمام و سرمایه حسین کوهی کرمانی. تهران: کوهی کرمانی.
- محمدمرادی، اصغر. ۱۳۷۸. «کنکاشی پیرامون شهر قدیم کرمان». مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. به‌کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۳۲۵-۳۶۴.
- معلم یزدی، معین‌الدین بن جلال‌الدین محمد. ۱۳۲۶. *مواهب الاهی*. تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. تهران.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. ۱۳۶۱. *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر. ۱۳۹۴. *تاریخ گزیده*. به‌اهتمام عبدالحسین نوایی. چ ۶. تهران: امیرکبیر.

- منشی کرمانی، ناصرالدین. ۱۳۲۸. *سِمْطِ العلی للحضرة العلیا*. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، تحت نظر محمد قزوینی. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- مهریار، محمد، فرهاد فخار تهرانی، و شامیل فتح‌الله‌یف. ۱۳۷۸. *اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجاریه*. تهران: سازمان میراث فرهنگی و دانشگاه شهید بهشتی.
- نامی اصفهانی، محمدصادق. ۱۳۶۲. *تاریخ گیتی‌گشا*. با مقدمه سعید نفیسی. تهران: اقبال.
- وزیر کرمانی، احمدعلی خان. ۱۳۴۰. *تاریخ کرمان (سالاریه)*. تصحیح و تحشیه و مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: دانشگاه تهران.
- وزیر کرمانی، احمدعلی خان. ۱۳۴۵. *جغرافیای مملکت کرمان*. به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی. نشریه فرهنگ ایران زمین، ش. ۱۴: ۵-۸۷.
- ویلبر، دونالد نیوتن. ۱۳۶۵. *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان*. ترجمه عبدالله فریار. چ ۳. تهران: علمی و فرهنگی.
- همت، محمود. ۱۳۵۰. *تاریخ مفصل کرمان*. تهران: به سرمایه فروشگاه همت.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. ۱۳۸۱. *البلدان*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. چ ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
- Anisi, Alireza. 2004. The Masji- i Malik in Kirman. *Iran* (42): 137-157.
- Schroeder, Eric. 1936. Preliminary Note on Work in Persia and Afghanistan. *Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology* 4 (3): 130-135.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

■ Kerman Jame' Mosques: Urban and Historical Status

Zatollah Nikzad

Instructor, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism Organization

Jame' mosques were one of the most important institutions in Iranian cities. Their functions changed along with historical developments of the city. It is expected to have been the same in Kerman. The Mozaffari Jame' Mosque was constructed in the eighth century AH and is well known today. This building is located in the eastern part of the old city, holding in it Friday prayers since its foundation date. There is no clear information about the mosque before the current century. The purpose of this study is to investigate the background and position of Jame' mosques in Kerman in relation to architecture and city in different periods. The research pursues the following question: what was the background of the Jame' mosque institution in Kerman and what was its position in the city? Since the subject of this research is about the past and it describes and analyzes historical data and searches for related evidence, the historical-interpretive method is used. Although the post-Islamic history of Kerman has been written in historical sources such as local histories, little is available about Jame' mosques in the city. The result of this research shows that four Jame' mosques were built in Kerman in the period between the first to the mid-eighth century AH: Nokhostin Jame' Mosque, Malek Jame' Mosque, Darb-e-No Jame' Mosque, and Mozaffari Jame' Mosque. These buildings did not function simultaneously, as each new mosque replaced the older one. In terms of location, each of the mosques was built in a new district of the city, and not in place of older ones.

Keywords: Kerman (Bardsir), Malek Jame' Mosque, Darb-e-No Jame' Mosque, Mozaffari Jame' Mosque

JIAS

Journal of Iranian Architecture Studies

University of Kashan

School of Architecture and Art

Vol. 20, Autumn 2021 and Winter 2022

ISSN: 2252-0635

E-ISSN: 2676-5020

20

- **Cuerda Seca Tomb Tiles in the Shrines of Sultan ‘Ata-bakhsh and Sultan Amir Ahmad in Kashan (16th-18th Centuries AH)**
Mohamad-Reza Ghiasian, Mohammad Mashhadi Noosh-abadi
- **Investigating Brick Ornamentation of Historical Houses in the City of Behbahan during the Pahlavi Period**
Zeinab Mashhoor
- **Kerman Jame‘ Mosques: Urban and Historical Status**
Zatollah Nikzad
- **Thermal Performance of dorchah, kolak, and kharkhona during the Warm Period of the Year in the Vernacular Houses of the Sistan Region**
Mohammad ‘Ali Sargazi, Mansoureh Tahbaz, Akbar Haj Ebrahim Zargar
- **Climatic Performance of Traditional Houses in the Old Texture of Shiraz using the Thermal Comfort Approach, Case Study: the Iwan (Veranda)**
Jamshid Karim-zadeh, Jamal ad-Din Mahdi-nejad Darzi, Baqer Karimi
- **Evaluating Creativity and Success among Architecture Students at the University of Tehran Based on the Four-Quadrant Brain Dominance Model of Ned Herrmann**
Fo‘ad Khorramy, Amir Sa‘eid Mahmoodi, Mostafa Mokhtabad
- **Historical Kurit Dam in Tabas: Analysis of the Construction Technology**
Amir-Hossein Sadegh-pour
- **Comparative Study of the Urban Texture Morphology of Birjand for Energy Efficiency**
Mostafa Hosseini, Mahmoud Shokoohi, Farshad Nasrollahi
- **Comparative Study of Termite Nests and Nooshabad Underground Complex**
Babak ‘Alemi
- **Cultural Heritage Potentials in Sustainable Local Economic Development**
Sara Taymourtash, Pirooz Hanachi, Mohammad-Hasan Talebian
- **Key Criteria in the Classification of Architectural Heritage based on Approaches and Conservation Policies in European Countries**
Sasha Riahi Moghadam, Mohammad-Hasan Talebian, Asghar Mohammad-Moradi
- **A Theoretical Model for Neighborhood Studies in Residential Environments**
Reza Serr-e ‘Ali, Shahram Pour-Deihimi